

مقدمه:

همیشه گذر از سطح شهر و دیدن قیافه های پی در پی مردم، مرا کنجکاو به دیدن لایه های زیرین و رنگارنگ این پوسته ی به ظاهر یکنواخت کرده، همچنین علل شکل گیری تضاد ها و کنتراستهای فوق العاده زیاد بین قوانین فرهنگی حاکم و مردم، مردم و مردم و مردم با خودشان ذهن هر بیننده ی تیزبینی را به خود جلب می کند. با آشنایی مختصری با تاریخ پر فراز و نشیب ایران زمین و مشاهده ی تجلی آن در فرهنگ امروز مردم سرزمینمان فن را بر آن داشت که با گذاری در سطح شهر فقط گوشه ای از نتایج برخورد فرهنگ کهن اسلامی و فرهنگ معاصر عصر اطلاعات را به تصویر بکشم این گوشه ی رنگارنگ ترکیبی از ظاهر و پوشش بخشی از بانوان و دوشیزگان ایرانی است، بخشی که علی رغم اجرای طرحهای پیاپی نیروی انتظامی تهران بزرگ در برخورد با بد حجابی هنوز به حیات پرطمتراق خود ادامه می دهد، مهمترین مسئله در جذب فن به نمایش این طیف و سیع عدم حضور آنها در رسانه های جمعی کشورمان است. استفاده از ابزار عکاسی این امکان را فراهم می کند که با ثبت لحظه های ناپایدار به درکی فراتر از آنچه با چشمانمان می یابیم برسیم. در ظاهر توده ی عظیم زنان از لحاظ خسوسیات پوشش، قشری نسبتاً یک پارچه اند یا حداقل این طور انتظار می روند و نمایش داده می شوند، سعی من در این مجموعه نشان دادن مغایرت های فراوان بین میزان پوشش با مجموعه ی قوانین حاکم و همچنین ثبت لحظاتی است که نشان از تضاد فرهنگی بین هنجارهای افراد با ارزشهای پذیرفته شده ی جامعه دارد. تجربه ی آشنایی من با افراد مختلف در طی کار نکته ای بسیار جالب را در نظرم پدیدار ساخت؛ بیشتر افرادی که از لحاظ ظاهر- لباس و پوشش- شبیه به هم هستند افراد گروه دیگر را یا اثلاً ندیده اند و یا اعتقاد دارند که تعداد آنها در سطح جامعه بسیار کم و حتی نادر است و این خود نشان هوشمندانه ای از تضاد (دیداری و ادراکی) بین خود افراد اجتماع است.

